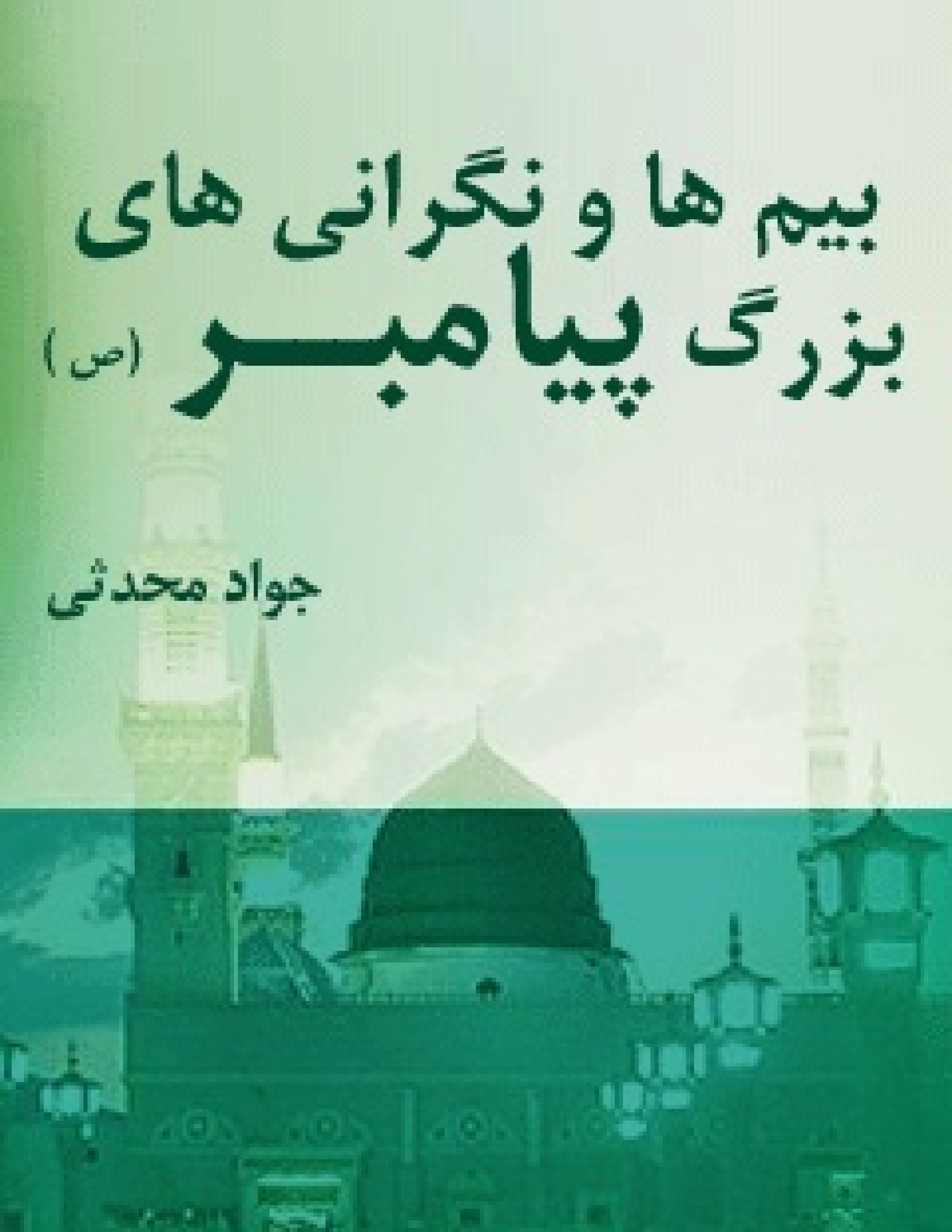
بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر (ص)

جواد محدثی





www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر(ص)

مشخصات کتاب

نمایه سازی قبلی : نمایه سازی قبلی
شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۵- ۱۹۷۹۱
سرشناسه : محدثی، جواد
عنوان و نام پدیدآور : بیم‌ها و نگرانی‌های بزرگ پیامبر (ص)/جواد محدثی
منشا مقاله : جوان ، ۲۶ مرداد ۱۳۸۵: : ص ۵
توصیفگر : محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق.، پیامبر اسلام
توصیفگر : دنیا طلبی
توصیفگر : رهبری
توصیفگر : اهل‌بیت

بیم ها و نگرانیهای بزرگ پیامبر (ص)

همچون هر باغبان دلسوز و زحمت کشیدهای که عمر خود را پای نهالها و بذرهایش گذاشته و در سالهای پیری، نگران باغ پس از خویش است، پیامبر رحمت و معلم بشریت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز، در سالهای آخر عمر، نگران وضع امت پس از رحلت خویش بود.نگرانیهای پیامبر صلی الله علیه و آله، در زمینههای مختلف بود، چرا که آفتها و عارضههایی که دامنگیر انسان میگردد، متفاوت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن سالها، نگرانی خویش را نسبت به وقوع این حوادث - پس از خویش-، ابراز داشته و آنها را پیش بینی کرده بود.برخی از این موضوعات نگران کننده، حاکی از نوعی رجعت در امت مسلمان است، یعنی کمرنگ شدن ارزشهای الهی و اسلامی و احیای دوباره معیارهای جاهلی و سر برآوردن خوی و خصلتهای غیر انسانی، که به برکت اسلام، قطع شده بود و در عصر پس از رسول، بار دیگر جان گرفت و معیارها را برهم زد. این نوع رجعت به جاهلیت، که از نگرانیهای عمده آن حضرت بود، برای هر مصلحی که با رهبری خویش، امتی و فرهنگی و نظامی پدید آورده باشد، وجود دارد، چرا که نسل دوم و سوم در یک حرکت انقلابی و نهضت اصلاحی، اغلب دارای آن روحیات، باورها، انگیزهها، شناختهای عینی و تجربههای محسوس انقلابیون اولیه و سابقون نیستند و زمینه سیر قهقرایی و بازگشت به شرایط پیش از تحول و نهضت، در آنان فراهمتر است و دشمنان هم از همین زمینه ها بهره میگیرند و به دگرگون سازی فرهنگ انقلاب میپردازند.اینک بر نگرانیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله مروری میکنیم، تا دستمایه عبرت و الهام برای امروز ما باشد.حضرت علی علیه السلام میفرماید: کنار پیامبر خدا نشسته بودیم. حضرت سر بر دامن من گذاشته بود و چشمانش در خواب. سخن از دجال میگفتیم و بیم از اغواگریهایش، که پیامبر بیدار شد و با چهرهای بر افروخته فرمود: بیش از دجال، بر شما از غیر دجال بیمناکم. بیم من از پیشوایان و زمامداران گمراه گر و ریخته شدن خون خاندانم پس از من است.

برای رسول خدا به عنوان رهبر، تداوم راه بسیار مهم بود. فلسفه سیاسی اسلام نیز قالب امامت و وصایت را برای تداوم راه پیامبر و استمرار حاکمیت اسلامی پس از رحلت آن حضرت، پیشبینی کرده بود. بارها و بارها آن حضرت، نسبت به جانشینی خویش و وصی خود، سخن گفته، رهنمود داده و تکلیف را معین کرده بود. اما صریحترین و اساسیترین و به یاد ماندنیترین شکل آن اعلام و تعیین، حادثه غدیرخم بود، آن هم با فرمان صریح و قطعی خداوند که حکم پروردگار را به مردم ابلاغ کند. نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک... [1] در این راستا بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله بازهم بیمناک از پیامد این اعلام، و نگران از واکنش مردم نسبت به آن بود، چون رگ و ریشههای جاهلی بازمانده در فکر و دل برخی از اصحاب را میشناخت و کمی تامل و درنگ نسبت به اظهار و ابلاغ آن پیام داشت. [2] تاکید آیه بر این که خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند؛ والله یعصمک من الناس اشعار به همین دلواپسیهای پیامبر خدا دارد.پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این که قریش، پس از رحلت آن حضرت با علی علیه السلام و مساله خلافت چه خواهند کرد و مظلومیت این خاندان و کنار زدن امیرمومنان از صحنه سیاسی و حق قطعی و مشروعش، بارها اظهار نگرانی کرده بود و وقایع بعدی را به حضرت علی علیه السلام یادآور شده بود. آن پیامبر دلسوز و آینده نگر، پیشبینی میفرمود که فاسقان و طغیانگران قریش، علی علیه السلام را مظلوم سازند [3] و به آن حضرت چنین ابراز میکرد که: بیم آن دارم که اگر بر سر خلافت و حق خویش با آنان به کشمکش بپردازی و منازعه کنی، تو را بکشند. [4] و میفرمود: اما التی اخافها علیه، فغدر قریش به من بعدی؛ [5] آنچه که نسبت به آن بیم دارم، آن است که قریش پس از من با او از در نیرنگ و حیله در آیند.و دیدیم که نگرانی حضرت رسول اکرم بجا بود و مظلومیت و محرومیت 25 ساله امیرالمومنین از حق خویش، شاهدش.پیامبر اکرم فرمود: بیشترین بیمی که بر امت خودم پس از خویش دارم، کسبهای حرام و درآمدهای نامشروع و شهوت پنهانی و رباست.سرمستی مال و طغیان ثروت، خیلیها را بر زمین میزند و بسیاری از مدعیان ایمان، از آزمایش پول موفق بیرون نمیآیند و پای اراده شان در لغزشگاه مال دنیا میلغزد و به عیاشی و بیدردی مبتلا میشوند.

کینههای قریش نسبت به بنیهاشم و پیامبر و عترت او، از بین رفتنی نبود. پیامبر هم با چشم بصیر خویش، آینده و مظلومیت خاندانش را میدید و بارها با علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام در این باره سخن گفته و خون گریسته بود. از سخنان اوست که: ابکی لذریتی و ما تصنع بهم شرار امتی من بعدی. [6] .حضرت علی علیه السلام میفرماید: کنار پیامبر خدا نشسته بودیم. حضرت سر بر دامن من گذاشته بود و چشمانش در خواب. سخن از دجال میگفتیم و بیم از اغواگریهایش، که پیامبر بیدار شد و با چهرهای برافروخته فرمود: بیش از دجال، بر شما از غیر دجال بیمناکم. بیم من از پیشوایان و زمامداران گمراه گر و ریخته شدن خون خاندانم پس از من است. [7] .این نگرانیها را حتی در زمان خویش نسبت به مکر و دشمنی یهود با عترتش نیز داشت. در واقعه گم شدن امام حسن و امام حسین علیهماالسلام در دوران کودکی و نگرانی پیامبر و حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به جان آن دو فرزند عزیز و یافته شدن آن دو در زیر درختی در باغ ابی دحداح، پیامبر نگرانی و بیم خویش را از کید یهود نسبت به جان حسن و حسین علیهماالسلام ابراز فرمود. [8] .این رشته، بسیار دراز دامن است و به همین اشاره بسنده می کنیم.

هواپرستی امت

بیشترین نقلهای روایی درباره نگرانی پیامبر، نسبت به همین موضوع است، یعنی عارضه تبعیت از هوای نفس و در سر پروراندن آرزوهای دور و دراز، که نشانه وابستگی به دنیا و مظاهر آن است؛ نتیجه طبیعی این دو بیماری اخلاقی، دور شدن از حق و فراموش کردن قیامت است و همین، برای سقوط یک فرد یا امت کافی است.این نگرانی با تعابیر متفاوت و متواتر نقل شده که به چند نمونه اشاره می شود:ان اخوف ما اخاف علیکم اتباع الهوی و طول الامل، اما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره؛ [9] آنچه که بیش از هر چیز بر شما بیم دارم، پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز است؛ هواپرستی،- آدمی را- از حق باز میدارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد انسان می برد.این مضمون با عباراتی شبیه همین، از حضرت علی علیه السلام و امامان دیگر نیز نقل شده است.پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر فرموده است:شر ما اتخوف علیکم اتباع الهوی و طول الامل، فاتباع الهوی یصرف قلوبکم عن الحق و طول الامل یصرف هممکم الی الدنیا...؛ [10] بدترین چیزی که بر شما بیمناکم، پیروی از هوای نفس و طول آرزوست؛ هواپرستی، دلهایتان را از حق برمیگرداند و آرزوی دراز، همتهای شما را به دنیا مصروف می سازد....بیشترین نقلهای روایی درباره نگرانی پیامبر، نسبت به عارضه تبعیت از هوای نفس و در سر پروراندن آرزوهای دور و دراز، که نشانه وابستگی به دنیا و مظاهر آن است، نتیجه طبیعی این دو بیماری اخلاقی، دور شدن از حق و فراموش کردن قیامت است و همین، برای سقوط یک فرد یا امت کافی است. پیامبر اکرم میفرمایند: آنچه که بیش از هر چیز بر شما بیم دارم، پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز است؛ هواپرستی،- آدمی را- از حق باز میدارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد انسان می برد.

نگرانی دیگر پیامبر آن بود که با دست یافتن مردم به مال و ثروت و چشیدن شیرینی دنیا، دلهای آنان دنیازده شود و از ارزشها دست بشویند و در کسبها و در آمدها مراعات حلال و حرام ننمایند و هدفشان انباشتن ثروت و افزودن مکنت باشد، از هر راه که باشد. نتیجه این دنیازدگی، فراموشی خدا و آخرت و در نهایت، سقوط اخلاقی است و دور شدن از ساده زیستی و گرفتاری در دام تجملات.حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید:لکنی اخاف ان یفتح علیکم الدنیا بعدی فینکر بعضکم بعضا و ینکرکم اهل السماء عند ذلک؛ [11] بر شما از آن بیم دارم که پس از من دنیا به روی شما گشوده شود (و به دنیا و ثروت برسید.) آنگاه یکدیگر را نشناسید! آن وقت است که آسمانیان هم شما را نشناسند.و در بیانی دیگر چنین میفرماید:ان اخوف ما اتخوف علی امتی من بعدی هذه المکاسب المحرمه و الشهوه الخفیه و الربا؛ [12] بیشترین بیمی که بر امت خودم پس از خویش دارم، این کسبهای حرام و درآمدهای نامشروع و شهوت پنهانی و رباست.سرمستی مال و طغیان ثروت، خیلیها را بر زمین میزند و بسیاری از مدعیان ایمان، از آزمایش پول موفق بیرون نمیآیند و پای اراده شان در لغزشگاه مال دنیا میلغزد و به عیاشی و بیدردی مبتلا میشوند. این نگرانی را رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذیل چند نگرانی دیگر بیان کرده و این گونه اشاره فرموده است: او یظهر فیهم المال حتی یطغوا و یبطروا؛ [13] بیم آن دارم که... یا ثروت در میان آنان آشکار شود، تا آن جا که به طغیان و سرمستی برسند.و در حدیث دیگری تعبیر او دنیا تقطع رقابکم... [14] آمده است، دنیایی که گردنهای شما را قطع میکند.حوادث پس از رحلت پیامبر و مسابقه برخی از امت او در زراندوزی و دنیاطلبی و روی آوردن به کاخ نشینی و تجملات و عیش و نوش و... شاهدی بر درستی نگرانی رسول خدا از آینده امت خویش است.

به هم آمیختن حق و باطل و آشفته ساختن مرزها و معیارها و زیر پا گذاشتن اصول و انکار مسلمات دین، موجب میشود عدهای از هدایت دست بشویند و گمراه شوند. در این جا نقش آنان که کار فکری میکنند و با افکار و اندیشههای مردم سروکار دارند، حساستر است.دانایان و دانشمندان، همچنین زمامداران و مسئولان نیز در گمراه شدن مردم نقش دارند و اگر بلغزند، جامعه را به اشتباه و لغزش میاندازند. در این زمینهها به چند حدیث اشاره میکنیم:آن حضرت فرمود:انما اخاف علی امتی الائمه المضلون...؛ [15] بر امت خویش، از زمامداران گمراه کننده بیمناکم.و فرمود: انی اخاف علیکم استخفافا بالدین و بیع الحکم و قطیعه الرحم و ان تتخذوا القرآن مزامیر، تقدمون احدکم و لیس بافضلکم؛ [16] بر شما از آن بیم دارم که دین، سبک شمرده شود؛ حکم و داوری، خرید و فروش شود؛ پیوندهای خانوادگی از هم بگسلد؛ قرآن را وسیله ساز و آواز قرار دهید و کسانی را جلو بیندازید که برترین شما نیستند.در حدیثی دیگر نگرانی پیامبر خدا از لغزش عالمان و مجادله منافقان با قرآن و دنیاطلبی بیان شده است و این که در این سه مورد، انسان باید خود را متهم بداند و از این لغزشگاهها مصون و در امان نپندارد. [17] .همچنین گمراهی پس از هدایت، فتنههای گمراه کننده، شکم و شهوت، از عوامل دیگر نگرانی آن حضرت به شمار آمده است، آن جا که میفرماید:ثلاثه اخافهن علی امتی من بعدی: الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج. [18] .در حدیثی سه خصلت دیگر موجب نگرانی حضرت رسول اکرم بیان شده است: یکی آن که قرآن را به غلط تاویل کنند و معانی و تفاسیر آن را نادرست و به دلخواه و مطابق سلیقه و گرایش خود معنی کنند، دیگر آن که در پی لغزش عالمان باشند تا از رهگذر مطرح ساختن اشتباهات علما، به فتنه گری و تشویش اذهان بپردازند، سوم آن که با فراوان شدن مال و ثروتشان دچار اسراف و اتراف و طغیان و خوشگذرانی شوند. و اینک متن حدیث:انما الخوف علی امتی من بعدی ثلاث خصال: ان یتاولوا القرآن علی غیر تاویله او یتبعوا زله العالم، او یظهر فیهم المال حتی یطغوا و یبطروا... [19] .در حدیثی سه خصلت که موجب نگرانی حضرت رسول اکرم بوده، بیان شده است: یکی آن که قرآن را به غلط تاویل کنند و معانی و تفاسیر آن را نادرست و به دلخواه و مطابق سلیقه و گرایش خود معنی نمایند، دیگر آن که در پی لغزش عالمان باشند تا از رهگذر مطرح ساختن اشتباهات علما، به فتنه گری و تشویش اذهان بپردازند، سوم آن که با

فراوان شدن مال و ثروتشان دچار اسراف و اتراف و طغیان و خوشگذرانی شوند.

سلطه و نفوذ منافقان

همیشه بزرگترین خطر برای هر نهضت و انقلاب، یا مکتب و آیین، تحرکات عناصر نفوذی بیگانه به داخل مجموعههای خودی و انقلابی بوده است. نفاق، همزبانی و همراهی ساختگی دروغین کسانی با امت اسلام است که در دل، هیچ عقیدهای به مبانی و ارزشها ندارند و با زبان بازی و زرنگی و همرنگی ظاهری، خود را داخل نیروها جا میزنند و از پشت ضربه میزنند.رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول دوران حکومت در مدینه، با پدیده منافقان دست به گریبان بود، و عمیقتر آن که کسانی در زمره اصحاب و همراهان او بودند که در دل عقیدهای به دین و رسالت نداشتند، اما با گفتن شهادتین و شرکت صوری در نماز و برنامههای دیگر، خود را در صفوف مسلمانان جا زده بودند و پس از رسول خدا، برای اعاده جاهلیت و شرک، به دست و پا افتادند و فتنه گریها کردند.نگرانی رسول خدا از این دشمنان خوش خط و خال اما زهرآگین بود، نه از مومن یا کافر، که ایمان یا کفر خویش را به صراحت اظهار میکردند.فرموده است: ولکنی اخاف علیکم کل منافق حلوا للسان...؛ [20] از منافق شیرین زبانی بر شما بیمناکم که حرفهایش برایتان آشناست، ولی عمل و رفتارش به گونهای است که نمیشناسید.در حدیث دیگر صریحتر بیان فرموده است:انی لا اتخوف علی امتی مومنا ولا مشرکا، فاما المومن فیحجزه ایمانه و اما المشرک فیقمعه کفره، ولکن اتخوف علیکم منافقا علیم اللسان، یقول ما تعرفون و یعمل ما تنکرون؛ [21] من هرگز بر امتم از سوی مومن و مشرک بیمناک نیستم؛ مومن را ایمانش باز میدارد و مشرک را کفرش ریشه کن میسازد. لیکن نگرانی و بیم من بر شما از سوی منافق دانا زبان است که میگوید آنچه را میشناسید و عمل میکند آنچه را نمیشناسید.چنین منافقانی که مجهز به دانش دین و آشنا به زبان انقلاباند، در پیکره امت اسلامی نفوذ میکنند و به نام دین حرف میزنند و عمل میکنند و از درون ضربه میزنند. چنین کسانی پس از پیامبر خدا، بر سرنوشت دین و دنیا و حکومت و خلافت مسلط شدند و اوج آن، استیلای امویان بر خلافت اسلامی بود که پس از قدرت یافتن، کفر درونی خویش را آشکار ساختند و ضربههای جبران ناپذیر زدند. معاویه و یزید را از بارزترین آنان میتوان شمرد.نگرانی رسول خدا از نقش منافقان، هشداری برای فرزندان انقلاب و مسلمانان آگاه است که نامحرم را به حریم نظام اسلامی راه ندهند و فریب چهرههای انقلابی نما و حرفها و شعارهای فریبنده را نخورند که آنچه میگویند، تنها در نوک زبان است، نه در ژرفای دل و عمق باور.

جعل و نسبتهای دروغ

دروغ بستن به رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در زمان حیات آن حضرت بود و آزارش میداد که کسانی حرفهایی را به دروغ از قول حضرتش نقل میکردند، هم نسبت به آینده و پس از وفاتش نگران آن بود که هر کس هر چه را میخواهد به او نسبت دهد و حاکمان برای توجیه مفاسد خویش یا کوبیدن هر کس و هر چیزی، به حدیثی ساختگی از زبان پیامبر، تمسک جویند.پیامبر اکرم کسانی را که به او دروغ بندند، نفرین و لعنت کرده است و وعده دوزخ بر ایشان داده است. [22] .از جمله در خطابه بلیغ و تاریخی خویش در حجة الوداع، که بسیاری از گفتنیها، توصیهها، هشدارها و نگرانیها را بیان نمود، چنین فرموده است:قد کثرت علی الکذابه و ستکثر، فمن کذب علی متعمدا فلیتبوا مقعده من النار؛ [23] دروغ بستن بر من بسیار شده و در آینده هم افزایش خواهد یافت. پس هر کس به عمد، بر من دروغ بندد، جایگاهش را در آتش دوزخ فراهم سازد.شگفتا که این خطر و این جنایت، در زمان ما نیز وجود دارد و حضرت امام خمینی (ره) نیز این نگرانی را نسبت به آینده داشتند، از این رو در صفحه آخر وصیت نامه سیاسی، الهی خویش به صورت تذکر افزودند: اکنون که من حاضرم، بعضی نسبتهای بی واقعیت به من داده میشود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض میکنم آنچه به من نسبت داده شده یا میشود، مورد تصدیق نیست، مگر آن که صدای من یا خط من و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم. [24] .جالب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای تشخیص صحت یا نادرستی آنچه از قول او در آینده نقل میشود، معیار ارائه فرموده و آن، عرضه بر کتاب خدا است تا هر چه که مخالف قرآن کریم باشد، از اعتبار ساقط شود.

تکذیب تقدیر و تصدیق نجوم

از نگرانیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمینه سست شدن ایمانها و عقیدههای توحیدی، آن بود که مردم به تدریج به نقش خدا و تقدیرات الهی در حوادث، کم اعتقاد شوند، برعکس به آنچه منجمان و ستاره شناسان میگویند، دل بندند و تدبیر و برنامهها و تصمیمهای خود را بر اساس علم نجوم تنظیم کنند. در حدیثهای مکرری این نکته مطرح شده است، از جمله:اخاف علی امتی خصلتین: تکذیبا بالقدر و تصدیقا بالنجوم. [25] .ان اخوف ما اخاف علی امتی، التصدیق بالنجوم و التکذیب بالقدر و ظلم الامه. [26] .در حدیث دوم، ظلم به امت نگرانی و بیم دیگری است که افزوده است.در حدیثی هم از سه نکته اظهار نگرانی فرموده است: یکی از ستم و تعدی حاکمان و مسئولان در حق مردم، دیگری تکذیب تقدیرات الهی و سوم باران طلبیدن از ستارهها و حرکت نجوم؛ یعنی به جای آن که خدا را منشا برکت آسمان و نزول باران بدانند و از او آب و باران بطلبند، این برکت را از ستارهها و جهش و سقوط آنها بدانند. این باور در جاهلیت وجود داشت، رسول خدا بیم آن داشت که روی آوردن به ستاره به جای خدا بار دیگر زنده شود و عقیده توحیدی خلل پذیرد. اینک متن حدیث نبوی:اخاف علی امتی ثلاثا: استسقا بالانوا و حیف السلطان و تکذیبا بالقدر. [27] .اینها برخی از نگرانیهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود که نسبت به آینده امتش و در دوره پس از خودش داشت و به تناسب آنها، هشدار می داد و موعظه میکرد.دامنه این بحث را میتوان گسترده تر از این قرار داد. آنچه خواندید، گذری شتابان از این وادی بود و در استخراج احادیث، عمدتا به یک منبع (بحارالانوار) استناد شد، وگرنه سخن بسیار است و نگرانیهای حضرت رسالت نیز فراوان.

[1] مائده / 67.
[2] بحارالانوار، ج 37، ص 170.
[3] همان، ج 39، ص 342 و ج 85، ص 89.
[4] همان، ج 33، ص 153.
[5] همان،ج 39 ص 76 و ج 40، ص 29 و 35.
[6] عوالم العلوم، حضرت زهرا (س)، ص392.
[7] بحارالانوار، ج 28، ص 48.
[8] همان، ج 43، ص 313.
[9] همان، ج 32، ص 355. [
[10] همان، ج 74، ص 117، 188، 293 و 296 و ج 2، ص 106.
[11] همان، ج 79، ص 137.
[12] همان، ج 70، ص 158 و ج 100، ص 54.
[13] همان، ج 69، ص 63.
[14] همان، ج 70، ص 92.
[15] همان، ج 28، ص 32.
[16] همان، ج 69، ص 227، ج 71، ص 92 و ج 76، ص 243.
[17] همان، ج 2، ص 49.
[18] همان، ج 22، ص 451، ج 10، ص 368 و ج 68، ص 269.
[19] همان، ج 2، ص 42 و ج 69، ص 63.
[20] همان، ج 33، ص 588.
[21] همان، ج 2، ص 110 و ج 33، ص 549 و 582.
[22] اضوا علی السنه المحمدیه، محمود ابوریه، ص 62.
[23] سفینه البحار، ج 7، ص 456.
[24] ر.ک: وصیت نامه سیاسی، الهی امام خمینی (ره)، تذکرات پایانی.
[25] بحارالانوار، ج 55، ص 277.
[26] همان، ص 330.
[27] همان، ص 330.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹